

Verb in Mahshahri Dialect

Nastaran Tavakoli¹
Azade Ebadi²

Mahshahri Dialect is one of the common dialects in Khuzestan province. From typological approach Mahshahri is one of the lorish dialects. This study investigates verb structure of this dialect. In this dialect, future tense is omitted, instead simple present tense is used.

Key words: Mahshahri dialects, verb forms, lexical verb, complex verb.

¹- Faculty member, Islamic Azad University, Fars Science and Research Branch
tavakoli.nastaran@gmail.com

²- M.A Graduate, Linguistics Department, Islamic Azad University, Fars Science and Research Branch
Mba_ebady@yahoo.com

فعل در گویش ماهشهری

نسترن توکلی^۱

آزاده عبادی^۲

چکیده

گویش ماهشهری یکی از گویش‌های رایج در استان خوزستان است که اکثریت قریب به اتفاق مردم شهرستان ماهشهر به آن تکلم می‌کنند. گویش ماهشهری به لحاظ رده‌شناختی در زمره گروه زبان‌های ایرانی نو غربی و از شاخه جنوب غربی است و به دلیل وجوه اشتراک فراوانی که با گویش‌های لری دارد یکی از گونه‌های آن به شمار می‌آید. پژوهش حاضر به بررسی فعل در گویش ماهشهری می‌پردازد. در این گویش زمان آینده ساده وجود ندارد و برای بیان آن از مضارع اخباری استفاده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: فعل واژگانی، فعل مرکب، گویش ماهشهری

۱- مقدمه

گویش ماهشهری از گویش‌های رایج در استان خوزستان است که به گویش بندری نیز معروف است. اکثریت قریب به اتفاق مردم شهرستان ماهشهر به آن تکلم می‌کنند. شهرستان بندر ماهشهر یکی از بنادر قدیم کرانه خلیج فارس است که در جنوب غربی خوزستان و اهواز واقع شده است. شهرستان دارای دو بخش به نام‌های ماهشهر، بندر امام و چمران با یک دهستان بنام جراحی و ۶۵ روستا است. طبق آمار آخرین سرشماری سال ۱۳۸۷، جمعیت ماهشهر ۲۶۳۱۳۰ نفر است.

گویش ماهشهری به گویش‌های هندیجانی، بختیاری و حتی مناطق بندر دیلم و بندر گناوه قرابت دارد. گفتنی است که پژوهشی در زمینه گویش مورد نظر تا به حال صورت نگرفته است. همانطور که آرلاتو (۱۳۷۳) مطرح می‌سازد، زبان‌شناس برای گردآوری داده‌های گویشی از چهار منبع می‌تواند استفاده کند که عبارتند از:

^۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس tavakoli.nastaran@gmail.com

^۲ - کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس

mba_ebady@yahoo.com

۱- شم زبانی

۲- گفتار گویشوران

۳- ترجمه گفتار گویشوران

۴- اسنادمکتوب

بر این اساس نگارنده که خود به گویش ماهشهری تکلم می‌کند داده‌های این پژوهش را با استناد به شم زبانی گردآوری نموده است. هدف این پژوهش بررسی نظام فعلی این گویش است.

۲- صورت‌های فعلی

در گروه فعلی همواره یک فعل واژگانی ظاهر می‌شود. ممکن است به همراه فعل واژگانی عناصر فعلی دیگری نیز به کار رود، نمونه‌های زیر از گویش ماهشهری این مطلب را نشان می‌دهد:

ایری (می‌رود) iray، رته بی (رفته بود) rate bi، اییوبه بری (می‌شود بروی) iyobe beri، بایس بریم (باید برویم) bāyas berim، بایس وُبه بریم (باید بشود برویم) bāyas vobe berim، بایس بتیریم (باید بتوانیم برویم) bāyas beterim berim و جز اینها.

نمونه‌ای از کاربرد افعال معین در ساخت گروه فعلی در نمونه‌های زیر به چشم می‌خورد:

بایس بریم (باید برویم) bāyas berim، اییوبه بری (می‌شود بروی) iyobe beri.

در مقاله حاضر، فقط به فعل واژگانی و افعال مرکب پرداخته می‌شود.

۳- فعل واژگانی

فعل واژگانی فعل اصلی است که به تنهایی می‌تواند در جایگاه گروه فعلی ظاهر شود، مانند نمونه‌های زیر:

ر(رفت) ra، ایری (می‌رود) iray، رته بی (رفته بود) rate bi، رته (رفته است) rate.

به لحاظ ساختوازی صورت صرف شده فعل واژگانی از برخی و یا همه عناصر زیر تشکیل می‌شود:

پایه، نشانه زمان، نشانه حال، نشانه ماضی، پی بست صفت مفعولی، شناسه، نشانه نفی، پیشوند فعلی، پی بست رابط، فعل معین، عنصر سببی (مشکوٰة الدینی، ۱۳۷۹: ۱۹۹).

در جدول زیر صورت‌های فعلی در گویش ماهشهری نشان داده شده است:

ماضی			حال	
التزامی	استمراری	ساده	التزامی	ساده
رفته باشم rate buwom	میرفتم iratom	رفتم ratom	بروم berom	میروم irom
رته باشی rate buwi	میرفتی irati	رفتگی rati	بروی beri	میروی iri
رفته باشد rate buwe	میرفت iratak	رفت ra/ratak	برود beray	میروود iray
رفته باشیم rate buwim	میرفتیم iratim	رفتیم ratim	برویم berim	میرویم irim
رفته باشید rate buwin	میرفتید iratin	رفتید ratin	بروید berin	میروید irin
رفته باشند rate buwen	میرفتند iraten	رفتند raten	بروند beren	میروند iren
ماضی بعید	ماضی نقلی استمراری	ماضی نقلی ساده	باشم buwom	هستم hessim
رفته بودم rate bidom	می رفته ام irateme	رفته ام rateme	باشی buwi	هستی hessit
رفته بودی rate bidi	می رفته ای iratiye	رفته ای ratiye	باشد buwe	هست hessiš
رفته بود rate bi	می رفته است irate	رفته است rate	باشیم buwim	هستیم hessimu n
رفته بودیم rate bidim	می رفته ایم iratime	رفته ایم ratime	باشید buwin	هستید hessitun
رفته بودید rate bidin	می رفته اید iratine	رفته اید ratine	باشند buwen	هستند hessišun
رفته بودید rate biden	می رفته اند iratene	رفته اند ratene		
نهی	امر		آینده	دارم darom
نرو nara	برو bera			داری dori
نروید	بروید			

nerin	berin		دارد dare
نباش nebuwet	باش bu		داریم dorim
			دارید dorin
			دارند daren

جدول (۱) صورت‌های صرفی فعل درگوش ماهشهری

۴- ساخت فعل

تجزیه ساخت فعل، عناصر سازنده و نیز ترتیب پیوند آنها را مشخص می‌کند.

الف) فعل حال ساده : عناصر سازنده فعل ساده در نمونه‌های زیر آمده است :

ای + ر + م

ای + خون + م

ای + یفت + م

برپایه نمونه‌های بالا، مشخص است که در ساخت فعل حال ساده نشانه‌ای برای زمان حال وجود ندارد. براین اساس، در واقع پایه فعل در صورت فعل حال ساده برابر است با «بن حال». بن حال هم همان پایه فعل است. بنابر این صورت واژه فعل حال ساده به صورت زیر است:

ای + بن حال + شناسه

ب) فعل حال استمراری: صورت فعل حال استمراری به قرار زیر است:

{دارم، د-ری، داره...+ صورت حال ساده فعل واژگانی با شناسه هم مرجع}

پ) فعل حال التزامی: تجزیه صورت فعل التزامی بصورت زیر است:

{ب،بی،ب-+ بن حال + شناسه

برم berom، بخیریم bexerim، بخوسیم boxosim، بیاین biyāyen

در مواردی که بن حال با مصوت (ā) آغاز شود پیشوند فعلی «بی» و در صورتی که بن حال با

مصوت (o) شروع شود «ب» است و در بقیه موارد نیز پیشوند فعلی به صورت «ب» ظاهر می‌شود.

ت) ماضی ساده

تجزیه ساخت فعل ماضی ساده را در نمونه‌های زیر می‌توان مشاهده کرد:

خوسیدم xosidom خوس + ید + م

افتادم oftādom افت + اد + م

خردم xardom خر + د + م

کردم kerdom کر + د + م

ساخت ماضی ساده: بن ماضی + شناسه

(ث) ماضی استمراری

به لحاظ تجزیه واژه فعل، فعل ماضی استمراری به دو صورت زیر ظاهر می‌شود:

{الف} ای + بن ماضی + شناسه (ب) داشتُم، دُشتی، داشت، ... داشتن + صورت ماضی استمراری

با شناسه ی هم مرجع {

مثال: ایخردُم ixardom، داشتُم ایخردُم dāštom ixardom.

(ج) ماضی التزامی

تجزیه صورت فعل ماضی التزامی به قرار زیر است:

صفت مفعولی + { بووم، بووی، بووه، بوون }

صفت مفعولی: بن ماضی + ه

رته بووم rate buwom، رته بووی rate bowi.

مفاهیم التزامی شامل مفاهیم تعجب، شک، تردید، آرزو، دعا، نفرین، شرط، ... است.

(چ) ماضی نقلی ساده

تجزیه صورت فعل ماضی نقلی ساده به قرار زیر است:

بن ماضی + پی بست رابط

پی بست های رابط در جدول زیر آمده است:

سوم شخص	دوم شخص	شخص	اول شخص
—	ی	مفرد	م
ن	ین	جمع	ایم

جدول (۲) پی بست‌های رابط

مو رتُم بازار mo ratom bāzār

(ح) ماضی نقلی استمراری

تجزیه صورت فعل ماضی نقلی استمراری به قرار زیر است:

ای + صورت فعل ماضی نقلی ساده

ایرتُم ایرتی aratome ایرتی aratiye ...

رضا خیلی وختل ایر ته دبی rezā xeili vaxtal irate Dobey

(خ) ماضی بعید

تجزیه صورت فعل ماضی بعید به شکل زیر است :

صفت مفعولی + { بیدم، بیدی، بی،...، بیدن }

وختی رسیدم خونه، آقامینا رته بیدن Vaxti residom xuna, āyāminā rate biden

(د) فعل آینده ساده

در این گویش صورت ویژه‌ای برای بیان این زمان وجود ندارد و برای نشان دادن مفهوم آینده ساده از زمان حال ساده استفاده می‌شود.

(ذ) فعل آینده التزامی

تجزیه صورت فعل آینده التزامی به صورت زیر است :

{ ایخم، ایخی، ایخ،...، ایخن } + مضارع التزامی

ایخم برم بازار یه شونه ای بسونم ixom berom bāzār ye šunei besunom

(ر) فعل‌های امر و نهی

تجزیه صورت فعل امر و نهی به شکل زیر است :

صورت فعل امر: { ب، بی، ب } + بن حال

صورت فعل نهی: { ن } + بن حال

(ز) فعل مجهول

تجزیه صورت فعل مجهول به قرار زیر است :

صفت مفعولی + وُبی (صورت صرف شده آن)

مثال :

کُر مَشْدی علی کَشْتِه وُبی . (پسر مشهدی علی کشته شد)

kor mašdi Ali košte vobi

دِسِل رضا اثر سیمان خراب اُوْبیده (دستهای رضا بر اثر سیمان خراب شده است)

desel Rezā ?ser simān xerābobide

(ژ) فعل سببی

(۱۴) صورت فعل سببی: بن حال + _ نید

بن حال + _ ند

در زیر مثال‌هایی از افعال سببی در گویش ماهشهری ارائه می‌شود:

مصـدر	معادل فارسی	ستاک حال	ساخت سببی
پِرِسَن	پَریدن	پَر	پِرِنْدَن
تِرِسِن	تِرَسیدن	تِرَس	تِرَسِنیدن
جُمِنیدن	جُمیندن	جَنب	جُمِنیدن

خندسِن	خندیدن	خند	خندِنیدن
خوسِیدن	خوابیدن	خواب	خونِیدن
رسِیدن	رسیدن	رس	رسُنیدن
رقصِسن	رقصیدن	رقص	رقصِینیدن
چسپِسن	چسپیدن	چسب	چسپِینیدن
ترکِسن	ترکیدن	ترک	ترَکِنیدن
خیسِسن	خیسیدن	خیس	خیسِینیدن
تپِنیدن	تپیدن	تپ	تپِینیدن
خورنِیدن	خاریدن	خار	خورنِیدن
لرزِسن	لرزیدن	لرز	لرزِینیدن
پیچِسن	پیچیدن	پیچ	پیچِینیدن
پُکِنیدن	پوکیدن	پوک	پوکِینیدن
رنجِسن	رنجیدن	رنج	رنجِینیدن
جوشِسن	جوشیدن	جوش	جوشِینیدن
ماسِسن	ماسیدن	ماس	ماسِینیدن
نشِنسن	نشستن	نشین	نشُنیدن
گشتِن	گشتن	گرد	گردِینیدن
سُختِن	سوختن	سوز	سوزِینیدن
اشکسِن	شکستن	شکن	* اشکنادن
گیروسِن	گریستن	گری	گیرونِیدن
دوَسِن	دویدن	دو	دونِیدن

*صورت سوم شخص مفرد این فعل به صورت - اد می باشد.

جدول شماره (۳): افعال سببی در گویش ماهشهری

۵- فعل مرکب

به طور کلی، فعل اصلی (فعل واژگانی) به لحاظ عناصر سازنده آن شامل سه نوع است: فعل ساده، فعل پیشوندی و فعل مرکب. فعل ساده تنها از یک پایه واژگانی تشکیل می‌شود، مانند نمونه‌های زیر:

ایخَ ixā، رِ ra، دیده بی didebi.

فعل پیشوندی به صورت یک پیشوند غیر فعلی و یک پایه فعلی ظاهر می‌گردد، مانند نمونه‌های زیر: درخَ derxa، در رَ dar ra. فعل مرکب از دو سازه نحوی تشکیل می‌شود: پایه و عنصر فعلی. در زیر نمونه‌هایی از فعل مرکب آورده شده است:

معادل فارسی معیار	معادل گویش ماهشهری	
دروغ گفتن	دروغ گُتن	doruy gotan
فریاد کشیدن-صدا زدن	چِر زدن	čer zedan
آرام کردن	اُس کردن	ʔos kerdan
نامزد کردن	نومزاد کردن	numzād kerdan
ترک کردن	لِشْتِن رتن	lešteno rattan
لگد زدن	لِغ زدن	leye zedan
نصف کردن	غَل کردن	yal kerdan
آتش گرفتن	تَش گرفتن	taš gertan
دست زدن	چُپک زدن	čopak zedan

چنانکه در نمونه‌های بالا مشاهده می‌شود، به لحاظ تجزیه رو ساختی پایه فعل مرکب به صورت گروه اسمی و گروه صفتی ظاهر می‌گردد. بنابر مطالب بالا، تجزیه رو ساختی فعل مرکب به صورت زیر نشان داده می‌شود:

فعل مرکب ← پایه + عنصر فعلی

پایه فعل مرکب ← { گروه اسمی

گروه صفتی

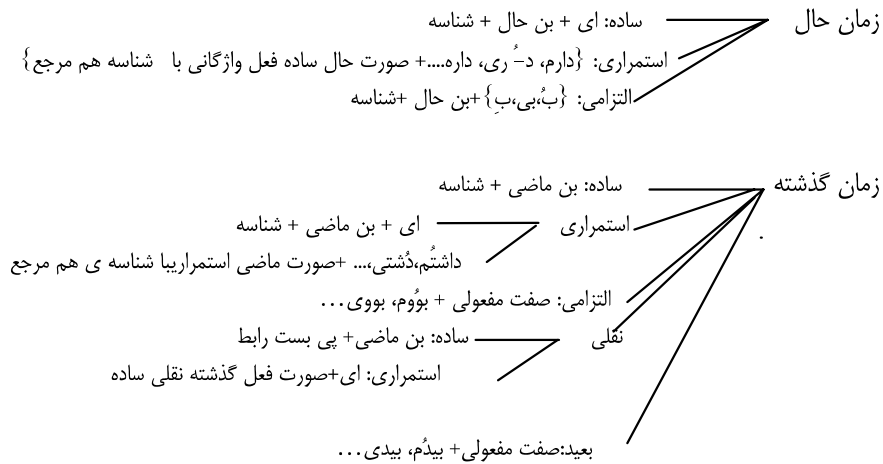
مانند نمونه‌های زیر :

پایه فعل مرکب: دروغ doruy، نومزاد numzād، تش taš، چپک čopak، اُس ʔos، ...

عنصر فعلی: زدن zedan، گرفتن gertan، کردن kerdan، گتن gotan، ...

۶- جمع‌بندی مطالب

در مقاله حاضر به بررسی فعل در نظام فعلی گویش ماهشهری پرداخته شد. نتایج حاکی از آن است که در گویش ماهشهری افعال واژگانی به صورت حال، گذشته یا آینده بیان می‌شوند که هر یک دارای زیر شاخه‌ها و ساخت‌های ویژه‌ای است. در بخش زیر این زیرشاخه‌ها به صورت نمودار نشان داده شده است:



زمان آینده ساده: ---
التزامی: ایخُم، ایخی... + مضارع التزامی

در این گویش زمان آینده ساده وجود ندارد و برای بیان آن از مضارع اخباری استفاده می‌شود. ساخت مجهول در این گویش به صورت: صفت مفعولی + وُبی (صورت صرف شده آن) است. فعل سببی نیز از ساخت زیر تبعیت می‌کند:

بن حال + -نید و یا بن حال + -ند

تجزیه روساختی فعل مرکب نیز در این گویش به صورت زیر است:

فعل مرکب ← پایه + عنصر فعلی

پایه فعل مرکب ← گروه اسمی

گروه صفتی

منابع

- آراتو، آنتونی (۱۳۷۳)، درآمدی بر زبانشناسی تاریخی، ترجمه یحیی مدرس، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مشکوه الدینی، مهدی (۱۳۷۹)، دستور زبان فارسی بر پایه نظری گشتاری، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

—————
س س ک ا ل